



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۲/جمادی الثاني / ۱۴۴۵ هـ، ق موافق ۱۵ / جدی / ۱۴۰۲ هـ، ش

قباحت و نقصانات گدائی گری از نظر اسلام و مسئولیت حکومت اسلامی در جلوگیری آن

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خير خلق الله أجمعين، محمد بن عبدالله الصادق الأمين، وعلى آله وصحبه والتابعين.

گدائی یک عمل ومرض بسیار بد وخطرناک اجتماعی است که در جهان هیچ جایی از این مرض خالی نیست، گدائی آن عمل بد وقبیحی است که رنگ جامعه و مردم را بد میسازد و سوالگر هم خود را ذلیل میکند از این جهت در شریعت اسلام قباحت و مذمومیت گدائی بیان شده است و در بعضی از حکومت ها گدائی جرم شمرده میشود و در این ارتباط در قوانین بعضی از حکومت ها برای گدائی جزاء تعیین شده است. گدائی بعضی از مردم بد تر از سرقت است.

قباحت و بدی سوالگری در اسلام:

الله متعال انسان را اشرف المخلوقات پیدا کرده است و او را از کرامت انسانی بهره مند ساخته است، از این جهت دین مقدس اسلام گدائی گری را حرام قرار داده است، زیرا که این کار علاوه از خطرات دیگر عمل مخالف کرامت انسانی است در نصوص شرعی گدائی را گناه کبیره شمرده است، سوالگری و گدائی به هر شکل و هر لفظیکه باشد کار حرام است برابر است سوال کردن و گدائی در روی جاده ها باشد و یا به شکل کمک خواستن و چنده باشد؛ زیرا که مفهوم همه یکی است.

الف: قرآن کریم : در قرآن کریم مذمت سوالگری بیان شده است و مسلمان باید عفت خود را در نظر گرفته گدائی نکند. الله تعالی میفرماید: **{لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفَهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ}** [البقرة: ۲۷۳].

ترجمه:- مستحق اصلی انفاق نیازمندی اند که در راه الله در تنگنا قرار گرفته اند نمیتوانند در زمین سفری را انجام دهند از شدت خود داری شان از سوال شخص نا آگاه، آنها را بی نیاز میپندارد و آنها را از چهره هایشان میشناسی از مردم به اصرار چیزی نمیخواهند و آنچه را خرج میکنید از مالی پس الله به آن دانا است.

عبدالله بن عباس رضي الله عنه در تفسیر این آیت میفرماید: (لا يسألون الناس إلحافا ولا غير إلحاح) بحر العلوم (۲۰۶/۱) نه به زبان درازی سوال میکنند و نه بغیر از زبان درازی، زیرا که سوال کردن عمل خلاف عفت است.

علامه شنقيطي ميگويد: (وتدل-الاية- بمفهومها على ذم سؤال الناس). أضواء البيان (۳۰۹/۴)

مفهوم این آیت به مذمت گدائی دلالت میکند.

هرکس شرعاً کرامت انسانی دارد و گدائی کار خلاف کرامت انسانی و ناروا است.

الله تعالی میفرماید: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) الإسراء: ۱۷.

ترجمه:- یقیناً ما بنی آدم را عزت دادیم.

در الموسوعة الفقهية الكويتية آمده است: (يَحْرِيصُ الْإِسْلَامُ عَلَى حِفْظِ كَرَامَةِ الْمُسْلِمِ ، وَصَوْنِ نَفْسِهِ عَنِ الْإِبْتِذَالِ وَالْوُقُوفِ بِمَوَاقِفِ الذُّلِّ وَالْهَوَانِ ، فَحَذَرٌ مِنَ التَّعَرُّضِ لِلصَّدَقَةِ بِالسُّؤَالِ ، أَوْ بِإِظْهَارِ أَمَارَاتِ الْفَاقَةِ) الموسوعة الفقهية الكويتية (۹۷/۲۴)

ترجمه:- اسلام به حفاظت کرامت انسانی تأکید کرده است و همچنان به حفاظت نفس تأکید نموده است که از ذلت و ایستاد شدن در آن مواضع موقوف ذلت و خواری است، از این جهت ممانعت کرده است که خود را پیش کردن به صدقات و یا به سوال کردن یا خود را گرسنه نشان دادن، گدائی کردن و گدائی وسیله جمع آوری مال قرار دادن دلالت به ضعف ایمانی مسلمان میکند، زیرا که مسلمان باید این عقیده را داشته باشد که روزی تمام انسانها از جانب الله تعالی است و انسان باید روزی الله جل جلاله را از راه های حلال جستجو کند. الله تعالی میفرماید: { وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ } [هود: ۶].

ترجمه:- و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر الله است او میداند قرار گاه آن و جای نگهداشت آن را همه اینها در کتاب روشن لوح محفوظ ثبت است.

امام ابن کثیر میگوید: (أخبر تعالى أنه متكفل بأرزاق المخلوقات، من سائر دواب الأرض، صغیرها وکبیرها، بحرّیها، وبرّیها).

ترجمه:- الله تعالی خبرداد: که من متکفل روزی تمام مخلوقات هستم، از برای تمام آن زنده جانهایکه در زمین می جنبند کوچک باشد یا بزرگ و همچنان زنده جانهایکه در بحر زندگی میکنند.

و در آیه دیگری الله تعالی میفرماید: {وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ * فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ} [الذاریات: ۲۲، ۲۳].

ترجمه:- و در آسمان روزی شما است و چیزهای است که بدان وعده داده میشوید ؛ پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب یعنی قیامت و پیامدهای آن حق است همانگونه که شما سخن میگوئید.

ب: سوالگري در احاديث نبوی :

بدون حاجت و ضرورت سوال کردن گناه است، و بی اعتمادی در شأن پروردگار است، زیرا که تنها از او سوال کردن مناسب است و بغير از الله جل جلاله سوال کردن از غير ذلت نفس است.

در احادیث بیشتر از سوال کردن و گدائی منع شده است و گدائی را یک عمل قبیح و انمود کرده است.

در یک حدیث شریف آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: (عَنْ حَمَزَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَاهُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم-: مَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَسْأَلُ النَّاسَ، حَتَّى يَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَ فِي وَجْهِهِ مِزْعَةٌ لَحْمٍ). متفق عليه

ترجمه:- از حمزه ابن عبدالله ابن عمر رضی الله عنهم روایت است که او شنید از پدر خود که میگفت گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم همیشه سوال میکند شخصی از مردم تا اینکه در روز آخرت در حالی می آید که در صورت او توتنه گوشتی نمی باشد.

امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث مینویسد: سوالگر در روز آخرت به حالتی می آید که دلیل میباشد و به نزد پرودگار هیچ روی نمی داشته باشد و یا اینکه به معنی حقیقی آن که چهره آن گدای گر تنها استخوان میباشد. [شرح النووی]

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم): (مَنْ سَأَلَ النَّاسَ أَمْوَالَهُمْ تَكْتَرًا فَإِنَّمَا يَسْأَلُ جَمْرًا ، فَلْيَسْتَقِلَّ أَوْ لِيَسْتَكْتِرْ). صحیح مسلم

ترجمه:- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است ، او میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: کسیکه مالهای مردم را به سوال میطلبد به قصد اینکه مال او زیاد شود یقیناً این انسان قوغ آتش را سوال میکند یا کم میکند و یا زیاد میکند.

در حدیث شریف دیگری آمده است که از عوف ابن مالک اشجعی روایت است که او میفرماید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمودند: آیا شما با خدا و رسول بیعت نمی کنید؟ ما گفتیم: که ما با خدا و پیغمبر او بیعت کرده ایم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا شما با الله و رسول بیعت نمی کنید؟ ما دستان خود را پیش کردیم و عرض نمودیم که ما با تو بیعت کرده ایم: پس به کدام چیز با تو بیعت کنیم ای رسول خدا! پیامبر علیه السلام فرمودند: (عَلَى أَنْ تَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ، وَالصَّلَاةِ الْخَمْسِ وَتَطِيعُوا اللَّهَ) وَأَسْرَ كَلِمَةً خَفِيفَةً (وَلَا تَسْأَلُوا النَّاسَ شَيْئًا) صحیح مسلم

ترجمه:- به این سخن به من بیعت کنید که الله را عبادت کنید و به او هیچ چیزی را شریک قرار مدهید، پنج وقت نماز را اداء کنید و از الله اطاعت کنید. سپس به آواز آهسته گفتن از مردم هیچ چیزی سوال نکنید.

دین مقدس اسلام بخاطر پوره کردن حاجت و ضروریات زندگی انسان را به کار و کسب تشویق و امر نموده است؛ تا که انسانها بخاطر پوره کردن حاجات و ضروریات رو به گدائی نیاورند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم امت خود را به جای گدائی به کسب و کار تشویق و ترغیب کرده است. در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) يَقُولُ : (لَأَنْ يَغْدُوَ أَحَدُكُمْ فَيُحِطَبَ عَلَيَّ ظَهْرِهِ

فَيَتَصَدَّقَ بِهِ وَيَسْتَعْنِي بِهِ مِنَ النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ رَجُلًا أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ ذَلِكَ ، فَإِنَّ الْيَدَ الْعُلْيَا أَفْضَلُ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى
متفق عليه

ترجمه:- از ابو هريره رضي الله عنه روایت است ، او میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: صباح نمیکند یکی از شما که برود وچوب را جمع کند و به پشت خود او را بیاورد و آنرا بفروش برساند واز پول آن یک قسمتی را خیرات کند و به این کار خود را از مردم بی نیاز گرداند و ضروریات خود را از آن پوره کند این کار از برای او بهتر است از اینکه از کسی سوال کند آیا او را چیزی بدهد یا ندهد زیرا که دست بالا یعنی خیرات کننده بهتر است از دست پائین یعنی خیرات گیرنده .

در حدیث شریف دیگری آمده است: (عَنْ الْمُقَدَّامِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ) صحیح البخاری .
ترجمه:- ازمقدم رضي الله عنه روایت است که نمی خورد هیچ کسی طعام بهتری را نسبت به آن طعامیکه از کسب وکار خود بدست آورده است وداود علیه الصلاة والسلام از منافع کسب وکار خود خوراک میکرد.

همچنان دین مقدس اسلام سوال را حرام قرار داده است از برای کسیکه سالم و صحتمند باشد و توان کار را داشته باشد باز هم سوال کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: که در روی سوالگر لکه و داغ ها میباشد. در حدیث شریف آمده است: (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (مَنْ سَأَلَ النَّاسَ وَلَهُ مَا يُغْنِيهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَسَأَلَتُهُ فِي وَجْهِهِ خُمُوشٌ، أَوْ خُدُوشٌ، أَوْ كُدُوحٌ) سنن الترمذی

ترجمه:- از عبدالله ابن مسعود رضي الله عنهما روایت است، او میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: کسیکه از مردم سوال میکند در حالیکه نزد او هست آنچه که ضروریات او را پوره میکند در روز قیامت می آید که سوالگری در چهره او ظاهر میباشد مانند: لکه ها و داغها و یا مانند داغهای نیش گزنده .

و در یک حدیث شریف آمده است کسیکه دروازه سوالگری را باز کند الله تعالی به او دروازه فقر را باز میکند.

(عن أبي كبشة الأنماري: أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: ثلاثة أقسِمَ عليهن، وأحدنكم حديثاً فاحفظوه)، قال: ما نقص مال عبد من صدقة، ولا ظلم عبد مظلمةً فصبر عليها إلا زاده الله عزاً، ولا فتح عبد باب مسألة إلا فتح الله عليه باب فقر). رواه الترمذی

ترجمه:- ابو كبشه انماري رضي الله عنه میگوید: که من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: که سه خصلت های اند من بر آن سوگند میکنم و به شما حدیث را بیان می نمایم : کم نمیشود مال به صدقه کردن، ظلم نمیشود به کسیکه بر آن صبر کند مگر اینکه الله تعالی عزت او را زیاد میکند و باز نمی کند بنده دروازه سوال را مگر اینکه الله دروازه فقر را به او باز میکند .

گدائی گر به سوال کردن خود را ذلیل میکند، کاری که اسلام از آن منع کرده است.
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُدِلَّ نَفْسَهُ) أخرجه الترمذی.
ترجمه:- مناسب نیست از برای مسلمان که خود را ذلیل و خوار بکند.

در حدیث شریف آمده است که شخص مستحق میتواند در وقت ضرورت از حاکم سوال کند.

(عَنْ سَمْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- قَالَ: الْمَسْأَلُ كُدُوحٌ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ فَمَنْ شَاءَ أَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ وَمَنْ شَاءَ تَرَكَ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلُ ذَا سُلْطَانٍ أَوْ فِي أَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بُدًّا). سنن أبي داود-ن (۳۹ / ۲)

ترجمه:- سوال کردن ها زخمهایی اند که زخمی میکند انسان بواسطه آن چهره خود را، یعنی (دست دراز کردن به کسی عزت و آبروی خود را به خاک یکسان میکند) اگر کسی خوش دارد که ترک کند این زخمها را از روی خود و اگر کسی خوش دارد بگذارد آنها را، مگر اینکه سوال کند شخصی از حاکم و یا درباره کاری سوال کند که از آن چاره نداشته باشد.

کدوح : کدح یکدح از فتح یفتح گرفته شده است که خراشیدن روی را گفته میشود که به ناخون های دست خود خراشیده و روی خود را زخمی کند.

ملا علي القاري رحمه الله در شرح این حدیث (ذا سلطان) میگوید: (ذا سلطان أي حکم وملك بیده بیت المال فیسأل حقه فیعطیه منه إن کان مستحقاً) مرقاة المفاتیح (۱۵۶ / ۶)
یعنی مراد از آن حاکم و پادشاهی است که بیت المال در اختیار او است و از او سوال کند تا اینکه از بیت المال به او چیزی داده شود اگر مستحق باشد.

توضیح:- ذا سلطان : مراد از آن حاکم بزرگ مملکت شده میتواند و همچنان زیر دستان حاکم بزرگ از قبیل والی ها، وزراء و یا قضات هم گفته میشود.

مطلب حدیث این است اگر حتماً سوال میکنی باید شما از کسی سوال بکنید که حق شما در ذمه آن باشد که او عبارت از حاکم و یا نایب وی است که بیت المال در اختیار آنها باشد و در بیت المال هر مسلمان حق دارد و اگر او تورا مستحق شمرد برایت میدهد.

ج: اقوال فقهاء:

امام نووی رحمه الله میگوید: (اتفق العلماء على النهي عن السؤال من غير ضرورة). مسلم بشرح النووي ۴۰۸/۱۰

ترجمه:- تمام علماء بر این اتفاق کرده اند که سوال کردن بدون ضرورت ممنوع است.

حجة الاسلام امام غزالی رحمه الله میگوید: السؤال حرام في الأصل، وإنما يباح للضرورة، وإنما قلنا: إن الأصل فيه التحريم؛ لأنه لا يخرج عن ثلاثة أمور محرمة:

الأول: السؤال إظهار الشكوى من الله تعالى؛ إذ السؤال إظهار للفقر، وذكر لقصور نعمة الله تعالى عنه، وهو عين الشكوى.

الثاني: السؤال فيه إذلال السائل لنفسه لغير الله تعالى، وليس للمؤمن أن يُذِلَّ نفسه لغير الله، بل عليه أن يُذِلَّ نفسه لمولا.

الثالث: السؤال لا يخلو من إيداء المسؤول غالباً. (إحياء علوم الدين - للغزالي ۲۲۳/۴ مختصراً).

ترجمه:- سوالگری در اصل حرام است ولی در وقت ضرورت مباح است، ما گفتیم که در اصل سوالگری حرام است، زیرا که سوالگری از سه سخن خالی نیست:

۱- در سوال کردن شکایت از الله تعالی است، زیرا در سوال کردن اظهار فقر و بیان نمودن کوتاهی در نعمت های پرودگار که این عمل در واقع شکایت از الله تعالی است.

۲- در سوال گری سوال گر خود را به غیر الله ذلیل میکند و برای مومن مناسب نیست که بغیر از الله بخاطری یک چیزی خود را ذلیل کند، بلکه به او لازم است که خود را به مولای خود ذلیل کند.

۳- در وقت سوال کردن غالباً شخص مسئول (از کسی که سوال کرده میشود) از ضرر خالی نیست.

مجتهدین احناف میگویند: کسیکه رزق و روزی یک روزه نزد او باشد سوال گری به او جائز نیست.

امام سرخسی رحمه الله نوشته است: (وإن كان المحتاج بحيث يقدر على التكسب فعليه أن يكتسب ولا يحل له أن يسأل)

[الكسب والمحیط]

ترجمه:- اگر شخص محتاج توان کار را داشته باشد به او لازم است که کار کند و سوال کردن بر او جائز نیست.

امام زلیعی رحمه الله میفرماید: در خانه کسیکه طعام چاشت و شب موجود باشد برای خوراک این اوقات سوال کردن به او

حرام است، در حدیث شریف آمده است نزد کسیکه چهل درهم باشد و یا کسیکه سالم و صحتمند باشد و توان کار را داشته

باشد سوال کردن به او جواز ندارد. [التبیین]

اسباب سوال گری:

بعضی اسباب سوال گری قرار ذیل است:

۱- بی باوری و ضعف عقیده بر آن رزق و روزی که از جانب پروردگار مقرر شده است .

۲- موجودیت فقر و بیچاره گی در جامعه.

۳- موجودیت اشخاص تنبل و بیکار در جامعه .

۴- عدم همکاری دولت در تکافل اجتماعی و عدم عدالت اجتماعی .

۵- بعضی مردم آسودگی را به زحمت ترجیح میدهند از این جهت منفعت سوال گری را کسب خود میگردانند.

۶- بعضی مردم ثروت مند دلسوز میباشند و به سوال گرها پول میدهند، از این جهت بعضی مردم این کار را جائز می‌شمارند

و به او روی می آورند.

۷- کمبود فرصت های کاری.

مسئولیت حکومت اسلامی در جلوگیری از سوال گری:

در هر جامعه مردمان محتاج موجود است که به کمک دیگران ضرورت دارند که اگر به کمک اینها از راه قانونی رسیدگی

نشود سپس اینها بخاطر برآورده کردن ضروریات خود به سوال گری روی می آورند و در جامعه اینطور مردمان بیکاره

و راحت طلب است که بجای کسب و کار به سوال گری و مفت خوری روی می آورند، پس وظیفه حکومت اسلامی است که

به ضروریات و مشکلات سوال گران واقعی رسیدگی نماید و مردمان مفت خور و راحت طلب را زجر بدهد تا اینکه جامعه

اسلامی از این عمل قبیح پاک شود.

دولت اسلامی از جمله کارهاییکه مسئولیت آنرا به عهده دارد جلوگیری از سوال گری است. زیرا موجودیت گدای گران در جامعه اسلامی نظام و عدالت حکومت اسلامی را زیر سوال می برد. دیگر اینکه افراد مستحق در بیت المال حق دارند اگر کسی سوال میکند باید از حاکم وقت سوال بکنند که بیت المال در اختیار او هست در حدیث شریف آمده است. کسی که سوال میکند از حاکم سوال بکند. (عَنْ سَمْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- قَالَ: الْمَسْأَلُ كُدُوحٌ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ فَمَنْ شَاءَ أَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ وَمَنْ شَاءَ تَرَكَ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلُ ذَا سُلْطَانٍ أَوْ فِي أَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بُدًّا). سنن ابی داود-ن (۳۹ / ۲)

ترجمه :- سوال کردن ها زخمهایی اند که زخمی میکند انسان بواسطه آن چهره خود را، یعنی (دست دراز کردن به کسی عزت و آبروی خود را به خاک یکسان میکند) اگر کسی خوش دارد که ترک کند این زخمها را از روی خود واگر کسی خوش دارد بگذارد آنها را، مگر اینکه سوال کند شخصی از حاکم و یا درباره کاری سوال کند که از آن چاره نداشته باشد.

یعنی مراد از آن حاکم و پادشاهی است که بیت المال در اختیار او است و از او سوال کند تا اینکه از بیت المال به او چیزی داده شود اگر مستحق باشد.

دولت اسلامی جهت جلوگیری از سوالگران میتواند که این امورات ذیل را انجام دهد:

۱- ایجاد فرصت های کاری، بخاطر جلوگیری از سوالگران حکومت اسلامی میتواند فرصت های کاری مختلف را به وجود آورد تا اینکه مردم و جوانان کار کنند و روزی حلال بدست بیاورند.

۲- قانون خاص درباره سوال گری که در آن جزای تأدیبی پیش بینی شده باشد برای آن سوال گرانیکه بدون ضرورت سوال میکنند و به اساس قانون گدائی ممنوع اعلان شود.

واقعه: حضرت عمر رضی الله در وقت نماز شام یک سوال گر را دید که سوال میکند حضر- عمر رضی الله عنه به یک شخصی گفت برو برای این سوال گر نان شب را بده آن شخص رفت و به سوال گر طعام شب را داد، سپس حضرت عمر فاروق رضی الله عنه از آن سوالگر شنید که باز سوال میکند، عمر فاروق به آن شخص گفت: که آیا تو به آن سوال گر طعام شب ندادی؟ آن شخص گفت: بلی دادم. حضرت عمر رضی الله عنه دید که بدست آن سوال گر ظرفی پر از طعام است عمر رضی الله عنه به او گفت: تو سوال گر نیستی بلکه تو تاجر هستی آن ظرف را از دست او گرفت و بیش روی او آن ظرف را به روی شترها پاشید و آنرا درّه زد و به او گفت: باز دوباره این کار را نکنی. [إحياء علوم الدين للغزالي ۴/۲۱۱]

۳- باید همه سوال گرها از کوچه ها، سرکها، شفاخانه ها و مساجد جمع آوری شوند و در بین سوال گران مستحق و حرفه ای تفکیک شود و برای آنها یک (دیتا بیس) خاص جور شود و آن سوالگرانیکه مستحق اند و توان کسب و کار را ندارند باید از بیت المال برای آنها رزق و روزی مقرر شود. که خوشبختانه لله الحمد به اساس حکم عالی قدر امیر المؤمنین حفظه الله تمام سوالگرها از شهرها و کوچه ها جمع آوری شد و برای سوال گران مستحق معاش مقرر شد.

و کسانیکه بدون عذر شرعی و معقول سوالگری میکنند برای آنها یک مرکز حرفوی و تعلیمی جور شود که از یک طرف آنها کسب و کار را یاد گرفته و از طرف دیگر در این مرکز برای آنها فهمانده شود که سوالگری ذلت هست و کسب فضیلت .

۴- ممکن است که در بین سوالگران جمع آوری شده کسانی باشند که با وجود کسب و کار فقیر اند، حکومت اسلامی میتواند برای آنها از صندوق زکات و عشر یک چیزی مقرر کند.

وقتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم معاذ رضی الله عنه را به یمن به صفت والی فرستاد برای او اینطور گفت: (فَأَعْلِمَهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً فِي أَمْوَالِهِمْ تُوْخَذُ مِنْ أَغْنِيَائِهِمْ وَتُرَدُّ فِي فُقَرَائِهِمْ) سنن ابی داود-ن (۱۶/۲)

ترجمه:- مردم یمن را به این بفهمان که الله تعالی فرض کرده بالای ایشان درمالهایشان زکات را که از اغنیاء ایشان گرفته میشود و به فقراء ایشان داده میشود

۵- آن سوالگرانی که سالخورده اند و هویت و خانه ندارند دولت میتواند که برای آنها یک مرکز مستقل جور کند.

۶- حکومت اسلامی باید مردم ثروتمند کشور را تشویق کند که سر پرستی فقراء، بیوه ها و یتیمان را بدوش بگیرند و دولت از آنها بخواهد که در کنار امارت اسلامی ایستاده شوند.

۷- این هم ممکن است که از خارج کشور مؤسسات خوراکی بین المللی برای مردم مستحق تخصیص داده شود.